



کند. سینمای کودک در ایران، با همه فراز و نشیب‌هایش، هنوز هم ظرفیتی یگانه برای پیوند میان فرهنگ، آموزش و سرگرمی است. مرور گذشته نشان می‌دهد این حوزه زمانی می‌توانست ستاره‌های گیشه بسازد و خانواده‌ها را به سالن‌ها بکشاند؛ و بر رسی امروز روشن می‌کند که همچنان ظرفیت‌های بومی، بازار داخلی و استعداد‌های تازه نفس در دسترس‌اند. اما تحقق این فرصت‌ها، نیازمند درک یک حقیقت ساده است: سینمای کودک نه سرگرمی فرعی، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه است. اگر نهادهای فرهنگی و بخش خصوصی، دست در دست فیلمسازان خلاق بگذارند و نگاه کوتاه‌مدت را کنار بگذارند، این سینما می‌تواند هم به صنعت سودآور بدل شود و هم میراثی ماندگار برای نسل‌های بعدی. سینمای کودک ایران، در واقع آینده‌ای است که امروز ما را به کودکان نشان می‌دهد و فردای آنان را می‌سازد.



جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان نیز می‌تواند به فرصتی مهم بدل شود؛ به شرط آنکه صرفاً به نمایش آثار محدود نماند و به سکویی برای جذب سرمایه‌گذار، معرفی پروژه‌های تازه و اتصال به شبکه توزیع جهانی تبدیل شود



فرصت مهم دیگر، ورود زنان فیلمساز و نسل جوان به این حوزه است. تجربه‌های نرگس آبیاری، منیر قیدی یا مرضیه برومند در سینما و تلویزیون نشان داد که نگاه تازه و غیر کلیشه‌ای می‌تواند روایت‌های متفاوتی برای کودکان و نوجوانان بسازد. این جریان اگر تقویت شود، می‌تواند هم تنوع موضوعی و هم غنای عاطفی آثار را افزایش دهد. نهایتاً نباید ظرفیت پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی را دست کم گرفت. امروز کودکان و نوجوانان بیش از هر زمان دیگری به محتوای دیجیتال دسترسی دارند. اگر سینمای کودک بتواند هم‌زمان با اکران سینمایی، نسخه‌های ویژه آنلاین، بازی‌های ویدئویی یا محصولات جانبی عرضه کند، چرخه اقتصادی آن پایدارتر خواهد شد. این مدل در جهان بارها امتحان شده و به موفقیت رسیده است.

بنابراین، هر چند سینمای کودک ایران با مشکلات جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما فرصت‌های بزرگی پیش روی آن است: از بازار عظیم داخلی تا قصه‌های بومی و فناوری‌های نو. پرسش اصلی این است که آیا نهادهای مسئول و بخش خصوصی حاضرند این ظرفیت‌ها را بالفعل کنند یا نه. پاسخ به این پرسش می‌تواند مسیر آینده سینمای کودک ایران را تعیین

پولینزی) یا ککو (بر اساس فرهنگ مکزیک) نشان می‌دهند که قصه‌های بومی می‌توانند در بازار جهانی هم بدرخشند. از دیگر فرصت‌ها، ظرفیت انیمیشن و فناوری‌های نوین است. برخلاف تولیدات زنده که محدودیت‌های اجرایی و بودجه‌ای دارند، انیمیشن می‌تواند خیال و دنیای کودک را به‌طور کامل بازتاب دهد. ایران طی سال‌های اخیر با آثاری چون شاهزاده روم، فیلیشاه و بچه‌زنگ نشان داده که توان فنی لازم برای ورود جدی به این عرصه را دارد. توسعه استودیوهای انیمیشن و سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های نو مانند CGI، نه تنها کیفیت آثار را ارتقا می‌دهد بلکه امکان صادرات و رقابت جهانی را فراهم می‌کند. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان نیز می‌تواند به فرصتی مهم بدل شود؛ به شرط آنکه صرفاً به نمایش آثار محدود نماند و به سکویی برای جذب سرمایه‌گذار، معرفی پروژه‌های تازه و اتصال به شبکه توزیع جهانی تبدیل شود. بسیاری از کشورهای موفق در این حوزه، جشنواره‌های کودک را به پل ارتباطی میان فیلمسازان و بازارهای جهانی بدل کرده‌اند؛ الگویی که در ایران هم قابلیت اجرا دارد.

